

دارد.

بسیاری از این مضامین در شعر مهاجران افغانستان هم به تأثیر از شعر انقلاب ایران دیده می‌شود و این خود چندین لایه دارد. روشن‌ترین لایه آن، شعرهایی است که مهاجران برای مسایل انقلاب اسلامی ایران گفته‌اند، همچون پیروزی انقلاب اسلامی، ستایش حضرت امام (ره)، سوگ حضرت امام (ره) و شهدای جنگ تحمیلی. از این نوع، می‌توان این مثال‌ها را ذکر کرد:

از حمید مبشر برای حضرت امام خمینی (ره):

سحرگاهان که عطری از غزل‌های تو بر خیزد
هزاران گل به دور رود آوی تو بر خیزد
بیا، ای پیر! یک شب باز از چشم‌زمین بگذر
یقین دارم زمان پیش قدم‌های تو بر خیزد
... هنوز از تربت چشمان تو فاتوس می‌روید
و مهتاب از نگاه عالم آرای تو بر خیزد
از قنبر علی تابش برای دکتر شریعتی:

ای از تبار سمندر، کاریز، دریای ایمان!

رؤیای سرسبز گندم، خواب گل سرخ، باران!
ابری تو، رنگین کمانی، کوهی، پر از آبشاری
سبز است سطح کویرت چون جویبار مزینان
... تو هفت پشت بشر را با عرش پیوند دادی
ای روح شفاف خونین، از تیره سربداران
از محمد کاظم کاظمی برای شهدای جنگ تحمیلی:

و آتش چنان سوخت بال و پیرت را

که حتی ندیدیم خاکسترت را

به دنبال دفتر چه خاطرات

دل‌گشت هر گوشه سنگرت را

و پیدا نکردم در آن کنج غربت

به جز آخرین صفحه دفترت را...

* شاعری که از هر حیث (صورت و معنی شعر و حتی سلوک درسی و معیشتی) پرورده و متأثر از انقلاب اسلامی ایران است و از پیشگامان شعر جوان انقلاب افغانستان در آن سال‌ها، سید فضل... قدسی است. قدسی در آن زمان بیش از دیگر شاعران افغانستان در مجامع و محافل شعر ایران حضور داشت و به همین نسبت، بیش از دیگران از شعر انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفت * هنوز و پس از گذشت ده سال از سقوط طالبان و باز شدن باب ارتباطات، با همه ارتباط وسیع اقتصادی میان دو کشور، دادوستد ادبی به میزان لازم و قابل انتظار وجود ندارد. در این سال‌ها تعداد جلسات شعری که در افغانستان و با حضور شاعران ایران برگزار شده باشد، به تعداد انگشتان دست هم نمی‌رسد

از سید حسن مبارز در پاسخ به مطروحه مقام معظم رهبری:

رفتی از امشب به فردا با عشق محفل به محفل
با در دلی شد مسیرت، یک عمر منزل به منزل
از داغ گل‌ها شکستی، خونین چو برگ شقایق
در دفتر غم نشستی، رنگین چو افسانه دل
در گردش چشم خیسیم با تو قدم می‌زند عشق
از آسمان‌ها به دریا از موج دریا به ساحل
گروه دیگر شعرهایی است که به مسایل افغانستان اشاره دارد، ولی نوع نگرش در آن‌ها همان نگرش انقلابی و اسلامی رایج در ایران است، مثل همان نمونه‌ای که پیشتر از سید فضل... قدسی نقل کردیم. گروه سوم از شعرها نه مناسب خاص افغانستانی دارند و نه ایرانی، ولی همان روحیه انقلابی اسلامی در آن حاکم است، مثل شعرهای عاشورایی و شعرهایی که برای فلسطین و دیگر مسایل جهان اسلام گفته شده است.

از محمد شریف سعیدی برای واقعه عاشورا:

می‌دود اسی‌بایال پریشان در باد

پشت زین خشم‌دگر دارد توفان در باد

مرداگر داد ز ند صاعقه آسا، اینک

از تب حنجره اش سوز میدان در باد

تیغ اگر در کف این کوه نباشد، اینک

می‌رود سبزترین جنگل ایمان در باد

از سید حسین موحد بلخی برای فلسطین:

سوگند به خون، که دیر یاسین از ماست

آن سان که شکوه طور سینین از ماست

بر غم پهلودبارگی‌های زمین

من می‌گویم، من، که فلسطین از ماست

البته الزاماً نمی‌توان گفت که هر آنچه شاعران افغانستان در این زمینه‌ها سروده‌اند متأثر از شعر انقلاب اسلامی ایران بوده است. ولی لااقل می‌توان گفت که این گروه شاعران در این توجه ویژه و پرتکرار خویش به این مضامین، از شعر کشور میزبان متأثر بوده‌اند. این را مقایسه آماری شعر داخل کشور افغانستان و شعر مهاجرت از نظر مضامین مطرح در شعرها تأیید می‌کند.

۲. وجه صوری

بیشترین تأثیری که از این وجه قابل رؤیت است، گرایش به شعر نو کلاسیک است. این قضیه وقتی بیشتر محسوس است که شعرهای متأثر از انقلاب اسلامی را که در محیط هجرت سروده شده است، با شعرهای داخل کشور در دهه‌های شصت و هفتاد مقایسه کنیم. به روشنی محسوس است که شعر داخل افغانستان - البته جریان زنده و فعال آن، نه جریان را کد سنتی و انجمنی - بیشتر در قالب‌های نو است و متأثر از جریان روشنفکری

ایران؛ در حالی که شعر مهاجرت در آن سال‌ها بیشتر در قالب‌های کلاسیک است.

از نظر زبانی و آرایه‌های ادبی هم این تأثیرها کمابیش قابل توجه است، به ویژه در مثنوی‌های وزن بلند که به سبک علی معلم سروده شده است و پیشتر به آن‌ها اشاره کردیم.

■ اثرات اجتماعی و فرهنگی

باید اعتراف کرد که با همه قربات دینی، زبانی، تاریخی و فرهنگی مردم ایران و افغانستان، شناخت و وفاق دوسویه میان دو ملت در همه مقاطع زمانی در حد انتظار نبوده است. اگر از زمان‌های قدیم که گاه جنگ‌های سهمگینی میان دولت‌های دو کشور رخ داده و مردم بسیاری را رودر روی هم قرار داده بود بگذریم، در سال‌های اخیر و حتی دوران مهاجرت نیز این روابط گاهی از مشکلات جنگ و مهاجرت و گاهی بزرگ‌نمایی‌ها و حتی غرض‌ورزی‌های بعضی رسانه‌ها تأثیر پذیرفته است. در این میان به روشنی می‌توان حس کرد که شعر پل پیوند خوبی میان بخشی از جامعه میزبان و میهمان بوده است. این خود از جهات گوناگونی قابل طرح است. بسیاری از شاعران مهاجر به تأثیر از شعر انقلاب ایران روحیه انقلابی و ارزشی قوی‌تری یافتند، یعنی چه بسا که آثار حماسی و دینی شاعران انقلاب، در احساس، عاطفه و تفکر این شاعران اثر گذاشت. این یک اثر مستقیم است. اما جهت دیگر از این ارتباط، معاشرت و مؤانست شاعران دو کشور بود که خود سرایش شعرهایی با دغدغه‌های مشترک را در پی داشت. بسیاری از شاعران ایران برای افغانستان شعر گفتند، همچون قیصر امین‌پور با غزل «بیا که در دل توفان شن روان باشیم» در کتاب «تنفس صبح» و یاسلمان هراتی با اشاراتی در بسیاری از شعرهای کتاب «از آسمان سبز» به مسایل افغانستان. این روند در سال‌های اخیر شدت بیشتری گرفته است و به راحتی می‌توان کتابی وزین از شعر شاعران ایران برای افغانستان فراهم کرد. بسیاری از شاعران دو کشور از مسیر شعر با هم ارتباط ادبی و شغلی یافتند. جمعی از شاعران افغانستان در مطبوعات و دیگر رسانه‌های ایران حضور یافتند و بعضی از شاعران ایران به کارهای پژوهشی و اجرایی برای ادبیات افغانستان دست زدند که نمونه برجسته‌اش محمدحسین جعفریان است. به همین نسبت می‌توان گفت که شعر افغانستان بیش از دیگر هنرها و شاخه‌های ادبیات، از انقلاب اسلامی ایران تأثیر گرفته و در مقابل نیز گاه تأثیر گذاشته است. بی‌سبب